



نگاه جامعه‌شناس

# سار یخ ساز

## سه دور اول انتخابات شرکت نکردند

این جماعت را شنیده است، اما سعید جلیلی نسبت به این جمعیت سکوت کرد و عملاً بحثی بر سر اینکه چه نگاهی به این جمعیت گسترده دارد، به میان نیاورده است. حالا اما به توجه به دو گزینه بودن انتخابات، آرای خاکستری و مرددین می‌تواند نقش آفرینی تأثیرگذاری را داشته باشد. در طی یک هفته گذشته تلاش‌ها برای اقناع جامعه و بخش خاکستری به‌ویژه از سوی جریان اصلاح طلبی که بخشی از آن هم نظر سیاسی با این جمعیت است، انجام گرفت. حالا هم مناظره‌ها با شفافیت بیشتری انجام شده و اکنون این سوال وجود دارد که تکلیف ۶۰ درصدی که در دور اول انتخابات شرکت نکردند چه خواهد شد؟ آیا شرایط هفته اخیر توانسته است بخشی از این طیف را راضی کند تا روز جمعه به پای صندوق رای رفته و مشارکت از عدد ۴۰ بالاتر برود؟

بلکه به این امید که فاجعه رخ ندهد. آقای پزشکشان اگر بیاید قطعاً مشکلات عدیده‌ای را خواهد داشت اما با صداقت و سلامت نفسی که در ایشان می‌بینم، با پشتیبانی مردم مطمئناً تغییرات اندکی در زندگی مردم ایجاد خواهد شد. این نیست که بگویم رئیس‌جمهور هیچ کاره است. دوستانی می‌گویند که رئیس‌جمهور کاره‌ای نیست و همه مهره هستند. از این دسته باید پرسید که آیا دوره خاتمی یا احمدی‌نژاد فرق نداشت؟ دوره رئیس‌جمهوری با روحانی فرق نداشت؟ ما نمی‌توانیم بگویم همه عروسک خیمه‌شب‌بازی هستند، تفاوت اینها در زندگی و سفره مردم دیده شده است. من اعتقاد دارم اگر آقای پزشکشان بیاید، می‌تواند تغییرات اندکی ایجاد کند که اگر به‌مروارہ بیفتد مردم حمایت کنند، چه‌بسا این تغییرات بتواند گسترده‌تر شود. اما اگر آقای جلیلی بیاید چه اتفاقی خواهد افتاد؟ من در پست‌هایی که منتشر کردم، نوشته‌ام که چرامن تأکید دارم یک جریان سیاسی در داخل ایران به‌دنبال کره شمالی‌ها کردن ایران است. من چند مؤلفه برای کره شمالی در آورده‌ام و این مؤلفه‌ها را می‌گویم، ببینم آیا این چند مؤلفه در داخل ساخت قدرت در ایران وجود دارد یا خیر؟ اگر وجود دارد ما خطر کره شمالی‌ها کردن ایران را از سوی آن جریان باید بسیار جدی بگیریم. این چند مؤلفه در کره شمالی را ذکر می‌کنم: «فقر گسترده مردم (در کره شمالی تقریباً تمام مردم زیر خط فقر هستند)، ساختار اداری فاسد، وابستگی به قدرت‌های خارجی، قطع ارتباط با جامعه جهانی، محدودیت شدید اینترنت، دستگاه عریض و طویل پروپاگاندا، حکومتی که بر پایه ایدئولوژی بنا شده، اداره کشور توسط نظامیان و ساخت ذهنی یک دشمن خارجی برای اینکه همه مشکلات را گردن آن بیندازیم.» اینها همه مشخصه‌های حکومت کره شمالی است. اعتقاد من این است که ضعیف شده این مؤلفه‌ها در داخل ساخت قدرت ایران وجود دارد و جریانی هست که دنبال این است که این مؤلفه‌ها را تقویت کرده و در نهایت از ایران کره شمالی اسلامی بسازد و من از این می‌هراسم. این مسیر در دولت آقای رئیسی شدت پیدا کرد اگر آقای جلیلی بیاید، چند درجه این روند شتاب خواهد گرفت. بنابراین تفاوت بین این دو دولت بسیار زیاد است. مهم‌ترین کاری که یک رئیس‌جمهور می‌تواند انجام دهد فائق‌سازی است، یک فائق‌سازی را می‌تواند نمایندگی کند و در داخل ساخت قدرت آن را پیش ببرد، که آن فائق‌سازی‌هایی که مقابلش هستند را به عقب براند. آقای پزشکشان می‌تواند این کار را انجام دهد و این منجر به حفظ منافع ملی و حفظ معیشت مردم و آزادی‌های اجتماعی خواهد شد. امیدوارم جمعه همه پای صندوق بیایند برای اینکه مسئله شوخی بردار نیست. بعضی‌ها ماجرا را به شوخی گرفته‌اند، نباید با فاجعه شوخی کرد و از آن جوک ساخت. بعضی‌ها می‌گویند بهتر از این نخواهد شد. من می‌گویم بهتر از این هم امکان دارد و اگر آقای جلیلی بیاید وضعیت خیلی بدتر از این خواهد شد. فردی که ابایی ندارد که بگوید پایه و اساس سیاست خارجی اش بر تخصص است، ابایی ندارد از اینکه بگوید نگران سفره مردم نیستیم، مردم ایستاده‌اند. این آدم خیلی به‌طور شفاف دارد وضعیت آینده را ترسیم می‌کند. افرادی که نیایند به آینده خودشان و فرزندان‌شان خیانت می‌کنند. این انتخابات منجر به مقابله جریان شده است، یک سمت جریان اصلاح طلبی است و در سمت دیگر جریان حاکم همراه با اپوزیسیون و شبکه‌های ماهواره‌ای خارجی قرار گرفته است. در یک توافق نانوشته، اپوزیسیون خارج از کشور، شبکه‌های ماهواره‌ای و جریان حاکم مانند دو تیغه یک قیچی در تلاش هستند که امید مردم را به تغییر و تحول در جامعه از بین ببرند و در مقابل آنها جریان اصلاح طلبی قرار گرفته است. اگر آقای پزشکشان پیروز شود، نشان می‌دهد که هنوز هم اکثریت مردم ما بر اساس عقلانیت تصمیم می‌گیرند نه از روی بغض و کینه و این برد بزرگی برای جریان اصلاح طلبی خواهد بود دولت پزشکشان می‌تواند بهترین استفاده را از این سرمایه داشته باشد.

## تقی آزادارمکی عضو هیئت علمی دانشگاه تهران:

# مدل اصلاح طلبی ۱۴۰۳ راهی برای دموکراسی پیدا می‌کند

آن یکی دانست و اصل اینطور نیست که شیوه خورد و خوراک و با سال ۹۲ باشد. امروز این جامعه بیرون افتاده است در حالی که دیروز جامعه، درون بود و قدرت سیاسی مسلط وجود داشت و در قدرت بود که اصلاح طلبی دچار اصطلاح شد. الان اتفاقی که افتاده این است که جامعه بزرگتر شده و بخش اصلاح طلبی بیرون از حاکمیتش خیلی زیادتر است. حالا اگر همان بخش اصلاح طلب اصول‌گرا بسازی راه بیاندازد، آن بخش اصلاح طلبی جامعه به آن کمک خواهد کرد، یعنی بیشتر از اینکه رنگ و بوی سیاسی بگیرد، رنگ و بوی اجتماعی و فرهنگی خواهد گرفت. اصلاح طلبی دیروز می‌خواست نظام سیاسی را اصلاح کند اما اصلاح طلبی امروز می‌خواهد نیازهای مردم را پاسخ دهد؛ یعنی دو مسیر متفاوت است. به همین دلیل است که این اصلاح طلبی مدل ۱۴۰۳ قطعاً راهی برای دموکراسی و مهم شدن جامعه خواهد یافت. اگر اصلاح طلبی امروز خوب بتواند بازی کند و مسائل جامعه را حل کند، کنگر اصلاح طلبان بیرون قرار خواهد گرفت و بر حجم جامعه می‌افزاید. این موضوع را از نظر آماری به شکل دیگری بگویم. آن ۱۷ تا ۲۰ درصدی که آمدند و مشارکت را به ۴۰ درصد رساندند، چنانچه بیرون بروند نظام سیاسی زمین خواهد خورد و دوره سختی آغاز می‌شود. تا دیروز اگر اصلاح طلبی بیرون می‌رفت، نیرویی برای جایگزینی وجود داشت، چنانچه وقتی آقای موسوی و خاتمی بیرون رفتند، بخش میانی مثل آقای هاشمی و روحانی وجود داشت که جایگزین شدند اما امروز دیگر سرمایه جایگزین وجود ندارد.

دیدگاه دیگری که شنیده می‌شود و این روزها هم در بخشی از آن ۶۰ درصد شاهد آن بودیم، این است که فرقی ندارد چه کسی رئیس‌جمهور شود. می‌توان به این تحلیل قائل بود؟

این حرف را همین بخش اصلاح طلبی به خورد جامعه داده‌اند و حالا هم می‌بینیم که جامعه همان حرف را پس می‌دهد، ولی در واقع اینطور نیست، نظام سیاسی مستأصل است. نظام سیاسی با محوریت اصول‌گرایی حتی میان‌رو و اصول‌گرایی را دیکتال در استیصال قرار گرفته و نمی‌تواند کاری کند و دچار ضعف مفرط شده است. البته به این معنی نیست که حاکمیت گفته که اصلاح طلبان بیایند، ولی همین آمدن اصلاح طلبان یک آگاهی در حاکمیت هم ایجاد شده است. به همین علت است که در دعوی‌های قالیباف و جلیلی حاکمیت نیامد نقش یکسان ساز را ایفا کند. به‌نظم حاکمیت دچار ضعف فراوان شده و احساس خطر می‌کند و اصول‌گرایی هم نمی‌تواند آن را نجات دهد. در همین موقعیت است که می‌توان کار کرد. اگر یک رئیس‌جمهور اصلاح طلب بیاید و وسط قرار بگیرد، به جای اینکه با حاکمیت منازعه کند، اقدام به رقابت با جامعه کند، راه اصلاح نظام اجتماعی و سیاسی پیش خواهد آمد و ما با دوره‌ای جدید روبه‌رو خواهیم شد.

به‌عنوان آخرین سوال: در باره آینده ایران با ریاست‌جمهوری مسعود پزشکشان و سعید جلیلی چه می‌توان گفت؟

چند سناریو وجود دارد. سناریوی اول این است که ایران وارد جنگ تمام‌عیار یا خارج خواهد شد و به همین علت مجبور می‌شود که انسداد سیاسی ایجاد کند و شاهد سرکوب توأم با خشونت باشیم. سناریوی دیگر این است که اصلاح طلبان برنده شوند و وجه مدنی جامعه تقویت شود و به سمت جامعه همگرا حرکت کنیم. سناریوی سوم این است که بنیادگرایی حاکم شود و این بنیادگرایی با عبور از جمهوری، به سمت دولت اسلامی حرکت کند و به جامعه روستایی و سنتی بر خواهد گشت. این سناریویی است که می‌تواند تا چند سال دیگر محقق شده و تمام سرمایه ایرانیان در باب ترقی خواهی و جمهوری خواهی را نابود کند و سیستمی شبیه سیستم عباسیان را حاکم می‌کند. حرف آخر این است که ما الان در این دوره خاص تاریخی نماندیم این هستیم که همه اوضاع کنیم که در دموکراسی ۵۰+ پیروز شویم و بعد از آن دنبال دموکراسی ۷۰ درصدی باشیم. این پیروزی باعث خواهد شد که ما اولاً دنبال خشونت‌نرویم، ثانیاً مدافعان حکومت اسلامی (در برابر جمهوری اسلامی) به حاشیه بروند و نهایتاً کارشناسان و صاحبان تخصص بیایند و کار جامعه را پیش ببرند.

در آستانه انتخابات دور دوم ریاست‌جمهوری دوره چهاردهم، بحث‌ها برای اقناع همدیگر میان آنها که در دور اول انتخابات شرکت کردند و آنها که شرکت نکردند، ادامه دارد. تقی آزادارمکی، عضو بازنشسته هیئت علمی دانشگاه تهران در رشته جامعه‌شناسی در گفت‌وگو با هم‌میهن معتقد است که جریان اصلاح طلبی با اقرار گرفتن در میانه میدان، این توانایی را دارد که در صورت پیروزی در انتخابات، راهی برای دموکراسی باز کند.

## تحلیل‌تان از وضعیت سیاسی جامعه پس از کشیده شدن انتخابات ریاست‌جمهوری به دور دوم پس از مشارکت ۴۰ درصدی در دور اول چیست؟

تشکیل دوگانه پزشکشان و جلیلی جامعه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ در باب عدم مشارکت ۶۰ درصد از مردم در دور اول انتخابات ابتدا بگویم که جمهوری اسلامی در فرآیندی طولانی در مسیر فرسایش مشارکت سیاسی قرار گرفته است؛ خصوصاً با انتخابات ریاست‌جمهوری دوره سیزدهم در سال ۱۴۰۰ که به کف مشارکت در انتخابات رسیدیم. پس از انتخابات سال ۱۴۰۰ هم مسیر کاهش مشارکت وجود داشت؛ یعنی پیش‌بینی‌هایی که سنجش افکار و اصحاب علوم اجتماعی می‌کردند این بود که اگر بخواند انتخابات بدون رقیب برگزار شود، میزان مشارکت بین ۲۰ تا ۲۳ الی ۲۴ درصد بیشتر نمی‌توانست باشد، حتی اگر یک رقیب بدلی وجود داشت و دوگانه قالیباف و جلیلی هم درست می‌شد، باز هم نمی‌توانست تأثیری روی مشارکت بگذارد. اتفاقی که افتاد این است که آملی به نام مسعود پزشکشان آمد که از نظر منطق شورایی نگهبان اصول‌گرای منتقد محسوب می‌شد اما اصلاح طلبان آن را تصاحب کردند و او را اصلاح طلب تلقی کردند؛ به همین دلیل مشارکت احتمالی ۲۰ تا ۲۳ درصد به مشارکت ۴۰ درصدی رسید؛ یعنی ۱۷ تا ۲۰ درصد این مشارکت متعلق به اصلاح طلبانی است که وارد صحنه انتخابات شدند. پس ما الان ۴۰ درصد کف مشارکت را داریم اما ۶۰ درصد هم عدم مشارکت داریم که شامل تحریمی‌ها و سایر گروه‌های اجتماعی می‌شوند که تحریمی نیستند اما انتخابات را کنار گذاشته‌اند ولی تفاوت آنها با تحریمی‌ها این است که این بخش در آستانه ورود به انتخابات هستند. این دوگانه جلیلی و پزشکشان هم که الان شکل گرفته، دوگانه مهمی است. بخشی خودش را اصول‌گرای می‌داند اما بیان بنیادگرایانه دارد و در مقابل بخشی خودش را اصلاح طلب می‌داند و بیان اصول‌گرایانه دارد. چیز عجیبی اینجاست که داده است، یعنی اصلاح طلبش کسی است که سر نظام داد نمی‌زند، تهدید نمی‌کند و آمده که نظام را کمک کند و ارتقا بخشد؛ به عبارتی این بخش اصلاح طلبی اصول‌گرا است. در آن سمت اصول‌گرایی وجود دارد که بنیادگر است و به ترتیب جامعه، فرهنگ و نظام سیاسی را تهدید می‌کند. اصلاح طلبی در این مقطع در وسط قرار گرفته است. این وسط بودن اصلاح طلبان هم می‌تواند شانس باشد و هم آسیب باشد. شانس این است که بتواند بخشی از آراء بخش میانه اصول‌گرا را جمع کند، چنانچه این تحلیل وجود دارد که بخشی از آراء قالیباف به این بخش ریخته خواهد شد. اصول‌گرایی را دیکتال هم البته می‌تواند علاوه بر سرمایه‌های که داشته یک سرمایه دیگر را هم تصاحب کند که این سرمایه مربوط به بخشی از جامعه است که با فقر روبرو هستند و علت این فقر را دولت حسن روحانی می‌دانند و از آنجایی که تیم آقای جلیلی می‌گوید دولت پزشکشان تبدیل به دولت سوم روحانی خواهد شد، در نهایت رای این بخش به آقای جلیلی متمایل خواهد شد.

بخشی از افرادی که قائل به عدم مشارکت در انتخابات پیش‌رو هستند، می‌گویند جامعه ایران این راه را در سال‌های ۹۲ و ۹۶ رفته و انتخابات ۱۴۰۳ تکرار همان تجربه است. سوال این است که می‌توان فضای سیاسی فعلی جامعه را با آنچه در دهه ۹۰ و ۹۰ وجود داشت، یکی دانست؟

خیر، این حرف صحیح نیست. جامعه امروز با جامعه دهه‌های گذشته خیلی متفاوت شده است، فضای سیاسی جامعه در ۱۴۰۳ را نباید با پیش از

## موضوع سیاستمدار



## دو جریان علیه حضور مردم

مهدی کروبی، رئیس سابق مجلس با انتشار پیامی خواهان شرکت مردم در دور دوم انتخابات شد. در متن پیام آمده است:

بسم‌تعالی

مردم عزیز ایران، کسانی که رای دادید و کسانی که رای ندادید، شمار در برابر هم نیستید، در کنار هم هستید. رای همه شما رای به تغییر بود؛ چه برای دادن، چه برای ندادن. رای به مسعود پزشکشان - با وجود رد صلاحیت همه اصلاح طلبان - یک «نه بزرگ» به حاکمیتی بود که با همه توان برای ریاست‌جمهوری رئیس مجلس کار می‌کرد و اکنون می‌خواهد یک چهره تندرو را به قدرت برساند. و غیبت نزدیک به ۶۰ درصد ملت در انتخابات پیامی به حاکمیت در اعتراض به رد صلاحیت‌ها، حذف مردم، توهین به زنان و نادیده گرفتن جوانان، ناکارآمدی و فساد دولت و سرکوب اعتراضات بود. و این همه انتقادات و اعتراضاتی بود که رای دهندگان هم به آن باور دارند. همان رای دهندگانی که با رای خود مسعود پزشکشان را به نفر اول انتخابات بدل کردند. چه بسیار خانواده‌هایی که والدین رای دادند و فرزندان رای ندادند. و فرزندان که رای دادند اما والدین رای ندادند. این تفاوت روش درون خانواده‌ای است. اما هدف مشترک است:

شکستن انحصار و از بین بردن حاکمیت یکدست. می‌گویند همه آرای شما رای به نظام است و عجیب است که از داخل حکومت و خارج از کشور این حرف را تکرار می‌کنند. از دو پایگاه مختلف با دو هدف متفاوت یک حرف را می‌زنند تا شما را دلسرد کنند و بگویند رئیس‌جمهور تعیین شده است و شما هیچ نقشی ندارید. دروغ می‌گویند و بی‌انصافی می‌کنند. مسعود پزشکشان با دیگران فرق می‌کند. سالم و پاکدست و روشن بین است. رای شما به او رای به اصلاح نظام است و نه فقط رای به حفظ نظام. نظام را به یک فرد یا یک جناح خلاصه نکنید. نظام یعنی مردم. نظام برای مردم است نه مردم برای نظام. نظام بدون مردم معنا ندارد. همانطور که امام عظیم‌الشان (ره) فرمود: «میزان رأی ملت است». نظام مقابل مردم ارزش ندارد. اگر نظام از اساس خود که جمهوری است دور شود و به جای اکثریت، اقلیت بر ملت حکومت کند دیگر نه جمهوری است و نه اسلامی و باید ملت نظام را به نقطه اول خود برگرداند. اگر این به معنای رای به نظام است، پس برای اصلاح نظام باید رای داد. و این همان هدف مشترک رای دهندگان و تحریم‌کنندگان انتخابات است. اگر در مرحله اول پیام تحریم طنین‌انداز شد الان باید پیام تغییر بخش شود. مگر تحریم برای تغییر نبود؟ حالا نوبت تغییر سرنوشت است. نباید به دست خود زمینه تحکیم انحصار را فراهم کنیم. نباید فریب پیام‌های انحرافی را بخوریم. آنان رای ما را برای حکومت خود می‌خواهند اما می‌توان با رای خود حکومتشان را تغییر داد. آنان ما را اقلیت می‌خواهند، باید قدرت اکثریت را نشان داد. باید کار ناتمام را تمام کنیم. باید در ۱۵ تیرماه دوباره به مسعود پزشکشان رای دهیم...



## فرهاد میثمی: رای می‌دهم

فرهاد میثمی، پژوهشگر و فعال مدنی که پنج سال در زندان به سر برده بود، شب گذشته اعلام کرد که در دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری، برای ایران رای خواهد داد.

## ادامه سر مقاله

به عبارت دیگر، حکومت‌ها نمی‌توانند از آرای مردم خود سوءاستفاده چندانی کنند؛ زیرا مردم به‌سادگی می‌توانند حمایت و رای خود را پس بگیرند. مقتضای عقل این است که در میان این دو حالت طرف مشارکت را برگزینیم. زیرا با رای دادن خود احتمال دارد که چیزی را از دست بدهیم که هرگاه اراده کنیم، آن را پس خواهیم گرفت. در حالی که با عدم مشارکت خود احتمالاً چیزی را از دست خواهیم داد که دیگر فرصت جبران آن را نداریم. این منطقی‌ترین مؤثر برای غلبه بر تردید است. این منطبق در هر مورد دیگری هم کارساز و کارایی دارد. هزینه‌های احتمالی عدم مشارکت را جدی باید گرفت.